

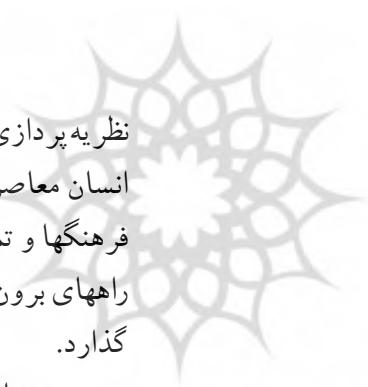
علوم انسانی، تولید و نوآوری

□ غلام‌نبی گلستانی

نظریه پردازی و نوگرایی از مهم‌ترین مسائل عصر حاضر و بزرگ‌ترین مشغله‌های انسان معاصر است؛ موج تازه‌ای که نه تنها بر آن است که به رکود کشیده شدن فرهنگها و تمدنها را پی‌جویی و بازکاوی کند، بلکه فراتر از آن، می‌خواهد با گذر از راههای برون‌رفت، بحران عقب‌ماندگی و واپس‌گرایی را شناسایی و آن را پشت سر گذارد.

دیرینه‌یابی جامعه‌ها و ملت‌ها نیز حاکی از این است که حیات پرفراز و فرودشان برآمده از پویسهای علمی و احیاگریها یا کاستیها و درج‌ازدن‌ها بوده است و اگر جامعه‌ای توانسته است در ادواری از تاریخ خود به تمدنی برتر دست یابد، از رهگذر خودبازیابی و افزایش ظرفیت فرهنگ‌سازی و تولید دانش در میان آنان بوده است. تبارشناسی مسلمانان نیز در خلق تأسیسات تمدنی در گذشته‌های نه‌چندان دور در گرو همین منش دانش‌پژوهی و احیاگری آنان بوده است.

نوآوری و تولید علم، به ویژه در علوم انسانی، ساحتی گسترده دارد؛ از کشف یک گزاره جدید که تفتن به آن نبوده، تا ارائه یک نظریه بدیع؛ از استنباط یک علم دینی جدید تا کشف و تبیین حوزه معرفتی نوین؛ از تأسیس یک مکتب نوپا تا



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تأسیس پارادایمهای دینی جدید؛ از فضای تفکر و اندیشه جدید در بستر دین تا ابداع یک نثر نو برای ابلاغ دین و از ایجاد ساختار جدید در بخشی از معارف دینی تا جنبشی جدید در کلام، فلسفه، جهان بینی و... از چیدمان جدید در مجموعه معارف دینی تا خلق هندسه‌ای جدید برای علوم دینی در عرصه تفهّم، تفهیم و تحقّق و از سازوکارهای تازه برای تحقّق آموزه‌های دینی تا نظام‌پردازی سیاسی، اقتصادی، حقوقی و... از پردازش نظام جامع دینی تا نوآوری در مضمون و محتوای آن، از تحوّل در تبیین و توصیف دین تا تنسیق متدولوژی آسیب‌شناسی معرفت یا گزاره‌ها و آموزه‌های دینی، از نوآوری در تعمیق و ژرفابخشی به معارف دینی تا گسترش و توسعه ساحتی آن، از تحوّل در تصحیح و برداشت درست تا تطبیق بر واقعیتها و... .

حال این نسل دوم حوزه و دانشگاه است که این موضوع، دل‌مشغولی خاص اوست و خود را مکلف به تلاش جدی در این حرکت جدید می‌داند و بر آن است تا با آموزه‌های دینی و بهره‌گیری از حاملان فکر دینی، به مسائل کهن و نوپیدای انسان معاصر پاسخ گوید و با بیدار کردن عقل جمعی و طرح نظریات جدید، بستریهای تمدن‌سازی، شکوفایی فرهنگی و جامعه‌پردازی را فراهم سازد.

در همین راستا رهبر معظم انقلاب با تأکید بر لزوم تبدیل تولید نظر و فکر به یک ارزش عمومی و ضرورت تجلیل و تشویق از نظریه‌سازان و نوآوران حوزه و دانشگاه، همه را به نهادینه کردن جنبش آزاداندیشی و تولید علم در پاسخ به سؤالات، مناظرات علمی و نظریه‌پردازی روشمند فراخواندند.

همین که این عزم و بیداری و خودآگاهی در نسل دوم حوزه و دانشگاه بیدار شده است و همین که این نسل از افراط و تفریط رنج می‌برد و راه ترقی و تکامل را نه در جمود و تحجّر و نه در خودباختگی و تقلید، بلکه در نشاط اجتهادی و تولید فکر علمی و دینی می‌داند و می‌خواهد شجاعت نظریه‌پردازی و مناظره در ضمن وفاداری به اصول و اخلاق و منطق، در حوزه و دانشگاه بیدار شود، خود فی‌نفسه یک پیروزی و دستاورد است و باید آن را گرمی داشت.

معظم‌له در تأکید بر نهضت آزاداندیشی می‌افزاید: باید این راه که راه شکوفایی و

خلاقیت است، به هر قیمت پیموده شود. برای علاج بیماریها و هتاکیهها و مهار هرج و مرج فرهنگی، بهترین راه همین است که آزادی بیان در چارچوب قانون و تولید نظریه در چارچوب اسلام، حمایت و نهادینه شود.

تأسیس کرسیهای نظریه‌پردازی، کرسیهای پاسخ به سؤالات و شبهات، کرسیهای نقد و مناظره، روشهایی عملی و معقول است و بهتر است حمایت و مدیریت شود و تولید نظریه و فکر، به یک ارزش عمومی در حوزه و دانشگاه تبدیل شود.

این ایده باید چه در قالب مناظره‌های قانونمند و توأم با امکان داوری و با حضور هیئت داوری علمی و چه در قالب تمهید و فرصت برای نظریه‌سازان و سپس نقد و بررسی ایده آنان توسط نخبگان فن و در محضر وجدان علمی حوزه و دانشگاه، نه تنها در قلمروهای فکر دینی یا علوم انسانی و اجتماعی، که در همه علوم و رشته‌های نظری و علمی دنبال شود.

رهبر معظم با این تأکیدات و تشویق به نهضت علمی آزاداندیشی، در واقع دست به یک فراخوان تاریخی زده‌اند که اگر به درستی از سوی نخبگان و مدیران فرهنگی کشور درک و پی گرفته شود، نقطه عطفی در حیات انقلاب خواهد بود و اگر بی‌پاسخ و مغفول ماند، عامل شگفتی و سؤال می‌شود و در واقع، حسرتی نابخشودنی به دنبال خواهد داشت؛ چرا که در پرتو همین نهضت علمی است که می‌توان عامل بالندگی بیشتر فقه، اصول، فلسفه، کلام، تفسیر و سایر موضوعات دینی را فراهم ساخت و کلام اسلامی را که تقریباً از زمان خواجه نصیر تا کنون پویایی ویژه‌ای نداشته و فلسفه اسلامی را که از دوره ملاصدرا به بعد دچار تحشیه‌نویسی و توضیح‌نگاری گشته و فقه را که توجه عمده آن به فقه فردی، آن هم در مسائل خاص محدود شده است و بریده از فقه اجتماعی، سیاسی و... به گوشه خلوت خزیده، حیاتی تازه بخشید و فرهنگ ترس و عجز از نوگرایی و نوگویی و نوپردازی را از ساحت حوزه و دانشگاه دور کرد و با تأسیس روش‌شناسیهای جدید فقهی، استنباطی، حقوقی، فلسفی، کلامی و... طرحی نو در انداخت و تنها با تازیان جنبش نرم‌افزاری و علمی است که می‌توان جریانهای فکری سنتی متجمّد و متصلّب و متقابلاً جریانهای

متجدد و غرب زده را به سمت وسوی حرکت اعتدالی تجدید میراث فرهنگی گذشته و یافته‌ها و انطباق و اصطیاد از دیگر فرهنگهای ملل و اجتهاد و تأسیس و ابداع (ضمن احترام به گذشته) به عنوان نوآوری حقیقی فراچنگ آورد.

اما در این عرصه (نوآوری - تولید علم) که همچون پیمودن راه بر روی تیغ تیز است، باید به بایدها و نبایدها، کژیها و کاستیها و افراطها و تفریطها توجه جدی کرد تا به جای اغتنام از فرصت، زمینه‌ساز فرصت‌سوزی، تخریب، ولنگاری و هرج و مرج علمی و فرهنگی نگردد و یا خدای ناکرده، بهانه و ابزاری برای حرمت‌شکنی، بدعت‌آفرینی، قداست‌ستیزی، روآوری به استحسانات و فقه اولویتها و بی‌توجهی به تلائم تشریح و تکوین قرار نگیرد. از این رو برخی از نکاتی را که در این زمینه بایسته تذکر است، یادآوری می‌شویم:

۱. فراهم ساختن بستری لازم و مناسب برای تلقی به قبول شدن اصل تولید علم به عنوان هسته اصلی پیام رهبری و بیرون آوردن حوزه و دانشگاه از هرگونه تردید و تشکیک در این مقوله.

۲. هم‌آسازی تولید علم و مأموریت حوزه‌ها و دانشگاهها در راستای تمدن‌سازی اسلامی و جامعه‌پردازی دینی.

۳. تأسیس و تبیین فرهنگ ادبیاتی حاکم بر پیام رهبری در لایه‌های مختلف حوزه و زدایش ترس تاریخی در حوزه‌ها نسبت به پیامدهای این حرکت.

۴. به وجود آوردن امواج بزرگ برای تبدیل ساختن این حرکت به یک فرهنگ عمومی در حوزه و دانشگاه.

۵. زمینه‌سازی برای تولید دانش، چرخه تولید دانش (عمل) و ترویج و توزیع اندیشه‌های علمی.

۶. تبیین ضرورت هم‌اندیشی در مسائل علمی و فرهنگی حوزه علمی و مطالعه انسداد علمی و عمق رکودی که بر برخی حاکم شده که نه تنها دچار انسداد علمی صغیر که گرفتار انسداد علمی کبیر شده‌اند.

۷. فراهم ساختن فرصت و زمینه لازم برای نظریه‌پردازی و نقد و بررسی ایده‌ها توسط اساتید فن در محضر اساتید بزرگ حوزه و دانشگاه.

۸. تبدیل تلاشهای علمی انفرادی به تضارب آرا و گسترش فضای انتقادی سالم.

۹. ایجاد رقابت میان اندیشه‌ها، تشکیل مناظره‌های قانونمند و توأم با امکان داوری با حضور هیئت کارشناسان علمی و پژوهشی.

۱۰. ترویج آزادی تفکر و تبادل آرا و فراهم ساختن زمینه لازم برای احساس امنیت و ابراز شجاعت در نظریه‌پردازی.

۱۱. تقدیر بایسته از نظریه‌پردازان و نوآوران و تبدیل نظریه‌پردازی به یک ارزش عمومی.

۱۲. تدوین قواعد و روشهای علمی و معقول برای گفت‌وگوی علمی و نظریه‌پردازی.

۱۳. تبیین و توصیف اصول و راههای مقابله با خودباختگی و هرج و مرج و فرهنگ آزادی بی‌مهار، جمود، تحجر و فرهنگ خفقان.

۱۴. تقویت بنیه علمی طلاب و دانشجویان، متناسب با نیازها و ضرورتها و شناسایی و جذب استعدادها و ایجاد زمینه رشد علمی مناسب با نیازها و همچنین جهت‌دهی علمی و پژوهشی به متخصصان و متفکران و استادان حوزه و دانشگاه که سرمایه‌های اصلی به حساب می‌آیند و نیز خدمات‌رسانی علمی - پژوهشی و هدایت سیاسی - فرهنگی مراکز علمی - آموزشی و پژوهشی.

۱۵. وفاداری به اصول و التزام به منطقی و روشمندی علمی در مناظرات، مباحثات و تألیفات.

۱۶. رعایت اخلاق و ادب علمی و رعایت حقوق مادی و معنوی دیگران.